

رویکردهای کلامی ائمه اطهار علیهم السلام در روایات تاریخی کتاب اصول کافی

زهرا روح‌اللهی امیری^۱

چکیده

منابع روایی شیعه با استناد از روایات معصومان محتوای متنوعی از گزاره‌های تاریخی، اعتقادی، کلامی و فقهی را در بردارد. پژوهش حاضر به روش کیفی از نوع تحلیلی و با هدف بررسی رویکردهای کلامی ائمه اطهار علیهم السلام در روایات تاریخی کتاب اصول کافی انجام شد و به این سؤال که ائمه اطهار علیهم السلام با چه رویکردی تاریخ را بیان نموده‌اند، پاسخ داد. نتایج بررسی‌ها نشان داد که ائمه اطهار علیهم السلام با رویکرد افزایش و اصلاح آگاهی‌های اعتقادی جامعه از روایات تاریخی بهره برده‌اند. این مهم، به واسطه گسترش قلمرو اسلامی و چالش‌های فکری ایجاد شده در جامعه که ابزاری راهبردی در هدایت جامعه است، جلوه می‌کند. براین اساس، پژوهش حاضر با تحلیل محتوای کیفی ۱۰۵ روایت تاریخی کتاب اصول کافی، هفت عنوان از مباحث کلامی را استخراج نمود. این مباحث از نظر محتوایی چالش‌های کلامی شیعیان را در عصر حضور نشان می‌دهد و تاریخ به مثابه ابزاری برای رفع شبهات عمل کرده است. حجم بیشتر روایات در رابطه با خصوصیات امام، عصمت و انتخاب جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله از طرف خداوند، دانش امام، ویژگی‌های پیامبران پیشین در اثبات امامت ائمه و چالش‌های فکری شیعیان است.

واژگان کلیدی: ائمه اطهار علیهم السلام، رویکرد کلامی ائمه علیهم السلام، آگاهی‌های اعتقادی و کلامی، روایات تاریخی کتاب اصول کافی، روایت تاریخی.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۷/۴
۱. استادیار گروه تاریخ اسلام، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران/ هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، قم، ایران.

طرح مطلوب در تاریخ‌نگاری و داشتن مدلی برای طرح‌واره تاریخ، موضوعی است که از زمان شکل‌گیری علم تاریخ و توجه به حوادث گذشته، بین محققان و مورخان وجود داشته است. رویکردهای مختلف در سبک تاریخ‌نگاری مورخان تأثیرگذار بوده و انتظارات از این علم سبب تفاوت شیوه مورخان در ارائه روایت‌ها شده است. انتظاراتی مانند درمان دردها و گرفتاری‌های زندگی با استفاده از تجارب گذشته که تاریخ را علم ابدان دانسته و احتراز از آنچه در گذشته بوده را برای احتراز از آنچه در زمانشان است در نظر گیرند، و یا اینکه تاریخ را به دلیل فایده اخروی که می‌تواند داشته باشد برای تذکار اهل معرفت و مذکران از تأمل در آثار گذشته بدانند؛ همه اینها شکل متفاوتی در روایت‌های تاریخی ایجاد نموده است. (زین کوب، ۱۳۹۰) اینکه تاریخ‌نگاری در مدل مطلوب باید از چه قاعده‌هایی پیروی و از چه محتوایی استفاده کند و هر محتوا چه مزیتی دارد و چه آسیب‌هایی را برطرف می‌کند پرسش‌هایی است که همواره مورد توجه مورخان بوده است. مهمتر اینکه انسان در تاریخ دنبال چه چیزی است. ساختن انسان و تعیین مسیر حرکت او در تاریخ، تربیت انسان برای زندگی مطلوب با انواع موجودات یا شناساندن حقیقت وجود انسان و شخصیت حقیقی‌اش برای خودش (زین کوب، ۱۳۹۰) نظرات متفاوتی است که مورخان مطرح کرده‌اند. به واسطه این مهم، رویکردهای مورخان و روایت‌گران، مسیر رسیدن به اهداف را نشان می‌دهند و چگونگی تعیین مسیر و رفتن به سمت هدف را تبیین می‌کنند تا از این راه مشخص شود که رسالت تاریخ برای انسان‌ها چه بوده است. از بین منابع تاریخی، کتاب‌های روایی شیعه از منابع مهم و مورد اعتماد است. این منابع بیشتر در قرن سوم و چهارم تألیف شده و در بردارنده روایات تاریخی صادره از معصوم است. یکی از این مجموعه‌های روایی، کتاب کافی است که در بردارنده روایت‌های مختلف از جمله روایات تاریخی است. چرایی صدور روایات تاریخی و اهداف راویان تاریخ می‌تواند به دلیل ایجاد چارچوبی برای تاریخ‌نگاری استفاده شود. از این رو، مقوله مهمی در روایت تاریخ برجسته می‌شود و آن رویکردها در تاریخ‌نگاری است. برای این مهم ابتدا باید مفهوم رویکرد، شناسایی و سپس رویکردهای موجود در تاریخ‌نگاری شناخته شود.



واژه رویکرد معادلی برای Approach در زبان انگلیسی است که به دو صورت فعلی و اسمی به کار می‌رود. کاربرد اول آن به صورت فعلی به معنای نزدیک شدن و تقرب زمانی یا مکانی به چیزی است و در شکل اسمی به معنای روش و متد به کار می‌رود. رویکرد در لغت به معنای نگرش، موضع‌گیری، جهت‌گیری، راه و وسیله رسیدن و مترادف دسترسی، خیابان، آمد و شد، ظهور، ورودی، نزدیک شدن، جاده و راه حرکت به سمت نزدیک شدن است. رویکرد در اصطلاح، عبارت است از: زاویه دید و نگرش جمعی عالمان و متخصصان در پیدایش یک نظریه یا اندیشه‌ای معین. در ترکیب رویکرد تاریخی از نظر اصطلاحی مدل‌های مختلفی اراده می‌شود. هر مورخی با رویکردهای متفاوت و اهداف برخاسته از آن رویکرد و انتظاراتش از علم تاریخ روایات را به‌گونه‌ای خاص تنظیم می‌کند. هدف‌گذاری در طرح اصلی رویکردها، رسیدن به چارچوب منظم فکری در تاریخ‌نگاری است. رویکردها می‌آموزند که براساس مدل فکری اهل بیت (علیهم‌السلام)، کاربست روایات تاریخی چیست. همچنین نشان می‌دهند تاریخ را به چه منظور و مقصودی و به چه دلیل باید به کار بست.

تاریخ را می‌توان براساس هدف رویکردها دسته‌بندی کرد. اولین ملاک در تعیین رویکرد انتظار از تاریخ در پاسخ‌گویی به پرسش‌های وجودشناسانه و معرفتی درباره جهان، انسان و پایان تاریخ است. این پرسش‌ها با توجه به محتوای آن پرسش‌های فلسفی است. بنابراین، رویکرد مورخ در ارائه تصویری از جهان، انسان و سرنوشت او با رویکرد فلسفی تبیین می‌شود. این رویکرد در تاریخ می‌تواند پاسخ‌گوی پرسش‌های اساسی انسان درباره مسائل وجودشناسانه و هستی‌شناسانه باشد و تکلیف او در جهان را مشخص کند. کارکرد رویکردهای فلسفی و معرفت‌شناسانه، ارائه تصویری از آینده جامعه و مدیریت عناصر مختلف در حرکت جوامع است. دریافت محرک‌های تاریخی و درک تهدیدها و شناخت فرصت‌ها و بزنگاه‌های تاریخی مهمترین نتایج این رویکرد است. علاوه بر تقویت رویکرد فلسفی، جامعه‌سازی و شناخت محیط، مهمترین سودمندی‌هایی است که در کاربست تاریخ انتظار می‌رود. حال باید دید که آیا می‌توان برای اثبات عقیده از روایات تاریخ بهره برد یا کاربرد تاریخ برای کلام چیست. با توجه به وظیفه علم کلام در دفاع از عقیده و وظیفه تاریخ که عینیت داده‌ها و حوادث مهمترین آرمان آن است این پرسش مطرح می‌شود که



امامان شیعه که جایگاه ویژه‌ای در دفاع از شریعت و عقاید دینی داشته‌اند با چه هدفی به روایت تاریخ پرداخته‌اند؟

کتاب *کافی* یکی از قدیمی‌ترین و مهمترین کتب روایی شیعه است. از این رو، برای تحقیق حاضر برگزیده شد. کلینی (۳۲۹م هـ) پس از بیست سال تلاش حدود ۱۶۰۰۰ روایت در موضوعات اعتقادی، اخلاقی و فقهی در سه بخش اصلی اصول، فروع و روضه تدوین کرده است. با نگاهی دقیق به این جامع روایی می‌توان مجموعه‌ای از روایات تاریخی ائمه اطهار را در آن مشاهده کرد. منظور از روایات تاریخی آن دسته روایاتی است که ائمه اطهار واقعه‌ای را بیان کرده‌اند. پژوهش حاضر به دنبال اثبات صحت اسناد روایات تاریخی این کتاب نیست و فقط به این اکتفا کرده است که روایت، منسوب به امام معصوم علیه السلام است؛ زیرا هدف پژوهش حاضر تحلیل محتوای کیفی این روایات است. حدود ۳۰۰ روایت تاریخی در *اصول کافی* شمارش شد که حدود ۱۸۰ روایت از امام صادق علیه السلام بیان شده است.

منظور از روایات تاریخی در پژوهش حاضر روایتی است که حادثه‌ای را بازگو کند. بنابراین، فقط نقل قول امام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یا یکی دیگر از ائمه علیهم السلام گزارش تاریخی تلقی نشده است، بلکه گزاره‌هایی که ائمه اطهار علیهم السلام برای بیان یک واقعه اظهار داشتند، مورد نظر است.

۲. پیشینه پژوهش درباره رویدادهای کلامی ائمه اطهار علیهم السلام در روایات تاریخی کتاب اصول کافی

درباره این موضوع کتاب یا مقاله مستقلی یافت نشد، اما درباره تحلیل روایات کتاب *کافی*، شروح، کتب و مقالات فراوانی نوشته شده است. درباره روایات تاریخی کتاب *کافی* می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

- پایان نامه بررسی *احادیث تاریخی اصول کافی* از گودرزوند چگینی (۱۳۹۴). این پایان نامه به دنبال بررسی روش‌های مختلف کلینی در گزینش احادیث تاریخی است و اسناد این کتاب و امتیازات و ویژگی‌های خاص این روایات را بررسی می‌کند.
- پایان نامه مقایسه تاریخ و سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله در سه کتاب *کافی* کلینی، صحیح مسلم

وسنن ترمیزی از خواجه (۱۳۹۷). این پایان نامه، اخبار کتاب کافی از مکتب اهل بیت علیهم السلام را با دو کتاب صحیح مسلم و سنن ترمزی از مکتب خلفا مقایسه کرده است. در این پژوهش آمده است که کلینی در نقل تاریخ و سیره صحیح رسول خدا صلی الله علیه و آله اهتمام و دقت بیشتری داشته است؛ زیرا دو منبع دیگر، صفات و خصوصیات را به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت داده اند که با شئون رسالت و پیامبری آن حضرت نمی سازد در حالی که در کتاب *اصول کافی* چنین گزارش هایی دیده نمی شود.

- مقاله تاریخ پیامبران در روایات امام باقر علیه السلام از الویری (۱۳۹۷) که با روش تحلیل محتوای کیفی، تاریخ پیامبران در روایات امام باقر علیه السلام بررسی شده است.

- مقاله تاریخ در سپهر روایات اهل بیت علیهم السلام از الویری (۱۳۹۷) که نقش شیعیان در تاریخ پژوهی و تمدن را بررسی نموده است. در این مقاله روش های مختلف بررسی روایات تاریخی اهل بیت علیهم السلام و مراحل آن مطرح شده است.

آنچه پژوهش حاضر را از سایر تحقیقات متمایز می کند در دو بعد هدف و روش نهفته است. پژوهش حاضر در پی بازبانی نگرش و زاویه دید انتخابی اهل بیت علیهم السلام در بیان روایات تاریخی است و این موضوع را بررسی می کند که ائمه اطهار علیهم السلام به چه هدفی از چه روایاتی استفاده کرده اند. این مدل در انتخاب زوایای مهم تاریخ و چگونگی بهره وری از تاریخ کمک زیادی می کند و شاید بتواند یک مدل اولیه از مدل تاریخ نگاری را پایه ریزی کند. در مقاله حاضر از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است.

۳. روش تحقیق

نوشتار حاضر به روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. روش تحلیل محتوای کیفی یکی از روش هایی است که در تحلیل داده های متنی کاربرد فراوانی دارد و فرآیند نظام مندی است که به کمک آن می توان به شناسایی، طبقه بندی، تبیین، تفسیر و استنباط و استخراج مفاهیم آشکار و نهان متن پرداخت. در این روش پیش فرض آن است که با تحلیل پیام های زبانی می توان به کشف مفاهیم، اولویت ها، ادراک ها، شیوه های سازماندهی و بینش دست یافت. هدف تحلیل محتوا فراهم کردن شناخت، بینشی نو و تصویری از واقعیت است. (کرپیندورف، ۱۳۸۳) در پژوهش حاضر، فرایند مفهوم پردازی در دو



مرحله انجام شد. در مرحله اول، به هریک از روایات تاریخی کتاب کافی یک مفهوم پایه داده شد به گونه‌ای که این مفهوم توانست فضای حاکم بر آن روایت را بازگو کند. در ادامه برای مفهوم تعیین شده یک توضیح و برداشت نوشته شد تا این توضیحات تحلیل‌های اولیه را شکل دهند. نتیجه اجرای این فرآیند تهیه ۱۰۵ روایت تاریخی با افزایش آگاهی‌های اعتقادی شد.

۴. یافته‌های پژوهش

جدول ۱

نمونه مفاهیم پایه کلامی در روایات تاریخی

روایت	تجزیه و تحلیل مفهومی	
	مفهوم پایه	توضیح
عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ <small>ع</small> قَالَ: «إِنَّ اسْمَ اللَّهِ الْعَظِيمِ عَلَى ثَلَاثَةِ وَسَبْعِينَ حَرْفًا وَإِنَّمَا كَانَ عِنْدَ أَحَبِّ مَنِيهَا حَرْفٌ وَاحِدٌ».	علم ائمه اطهار در مورد اسم اعظم خداوند	اسم اعظم خداوند هفتاد و سه حرف است که یکی را آصف می‌دانست و تخت بلقیس را نزد سلیمان آورد و نزد ائمه اطهار هفتاد و دو حرف است. در این روایت از یک واقعه تاریخی صحبت می‌شود. آوردن تخت بلقیس و اینکه آورنده آن دارای علم اسم اعظم خداوند بوده است.
دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>ع</small> فَوَقَّيْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ، إِنِّي أَسْأَلُكَ عَنْ مَسْأَلَةٍ، هَاهُنَا أَحَدٌ يَسْمَعُ كَلَامِي؟	علوم پیامبر نزد ائمه اطهار	پیامبر هزار باب علم به امام علی آموخت که از هرباب هزار باب گشوده شد. کتاب جامعه که همه احتیاجات دینی مردم در آن است و کتاب جفر که علوم همه پیامبران است و مصحف فاطمه نزد اهل بیت است.
فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ <small>ع</small> : «يَا حُمْرَانُ، إِنَّ إِلَهَ -تَبَارَكَ وَتَعَالَى- قَدِ كَانَ قَدِيرًا ذَلِكَ عَلَيْهِمْ وَ قَضَاءُهُ، وَ أَمْرُهُ، وَ حِجَّتُهُ».	قیام و قعود ائمه اطهار مقدر الهی	آنچه بر امام علی <small>ع</small> ، امام حسن <small>ع</small> و امام حسین <small>ع</small> گذشت مقدر الهی بود که آنان با علمی که داشتند آن را اجرا کردند. از دیداری بین امام و شاگرد او حمران حکایت دارد و مبحث قضا و قدر الهی در مأموریت ائمه راتاکید می‌کند.
قَبِلْتُ لِلرُّضَا <small>ع</small> : «قَدِ كُنَّا نَسْأَلُكَ قَبْلَ أَنْ يَهَبَ إِلَيْنَا لِكَ أَبِي جَعْفَرٍ <small>ع</small> »	حضرت عیسی <small>ع</small> و امام جواد <small>ع</small> حجت خدا در کودکی یا نبودن شرط سنی در امامت	راوی از اینکه امام جواد <small>ع</small> در سن کودکی امام شود تعجب کرد. امام رضا <small>ع</small> فرمود: «عیسی نیز کمتر از سه سال داشت که حجت خدا بر مردم شد». ارجاع به تاریخ انبیا برای اثبات یک مسئله کلامی اعتقادی.
قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ <small>ع</small> : «مَا تَلَيْفَتْ تَقِيَّةَ أَحَدٍ نَقِيَّةَ أَحَبِّهِ الْكَهْفِ إِنَّ كَانُوا يَتَشَبَّهُونَ الْإِجْتِدَادَ، وَ يَتَشَبَّهُونَ الزَّانِبِينَ، فَأَعْطَاهُمُ اللَّهُ أَجْرَهُمْ مِثْلِينَ».	تقیه الگوی عملی شیعه	اصحاب کهف تقیه می‌کردند در جشن‌ها شرکت می‌کردند.

بِسَاءتِ اَبَا عَبْدِاللهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اَبِيهِ عَزَّوَجَلَّ: «وَمَا اِصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبْتُمْ اَبْدِكُمْ» اُرَايْتُمْ مَا اَصَابَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَاهْلَ بَيْتِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟	جلد ۴، ص ۲۶۱	گرفتاری اولیای الهی با مصائب گوناگون برای کسب ثواب	این رثاب از امام صادق علیه السلام پرسید: «براساس آیه ۳۰ سوره شوری آیا آنچه به امام علی علیه السلام و اهل بیتش رسید به دلیل گنا هان آنان بود؟». امام صادق علیه السلام فرمود: «بیا مبر علیه السلام روزی صدمرتبه بدون اینکه گناهی مرتکب شود استغفار می کرد. خداوند دوستان خود را به دلیل کسب ثواب با مصائب گوناگون گرفتار کرد.»
---	--------------	---	---

در تحلیل محتوای متن و یا روایت با استفاده از معنایی که به ذهن دریافت کننده پیام منتقل می شود مفهوم پایه استخراج می شود. این مفهوم باید متناسب با اجزای پیام باشد. بنابراین، شعور متعارف ملاکی برای انتخاب مفهوم است.

جدول ۲

نمونه مقوله بندی آگاهی اعتقادی (تحلیل تجمیعی)

ردیف	آدرس	مقولات فرعی (رویکردها)	مقوله اصلی
۱	جلد ۱، ص ۵۷۱	خصوصیات امام	افزایش آگاهی های اعتقادی
۲	جلد ۱، ص ۵۹۲	خصوصیات امام	افزایش آگاهی های اعتقادی
۳	جلد ۱، ص ۷۰۱	تقدیرگرایی	افزایش آگاهی های اعتقادی
۴	جلد ۲، ص ۲۸۱	خصوصیات پیامبران	افزایش آگاهی های اعتقادی
۵	جلد ۳، ص ۵۵۳	تقیه	افزایش آگاهی های اعتقادی
۶	جلد ۴، ص ۲۶۱	خصوصیات امام	افزایش آگاهی های اعتقادی

در مرحله دوم یعنی، مقوله بندی یا تحلیل تجمیعی، نقش هریک از مقوله ها برای نظریه پردازی مشخص شد. هدف از این مرحله نظم و انسجام به داده ها و باز ترکیب و پیوند آنهاست.

۴-۱. استفاده ائمه اطهار علیهم السلام از گزاره های تاریخی در مباحث کلامی

علم کلام دانشی است که با استفاده از روش های مختلف به استنباط، توضیح، تنظیم و اثبات عقاید اسلامی و دفاع از آن می پردازد. (کاشفی، ۱۳۸۷) علم کلام، حرفه ای نظری است که به کمک آن می توان عقاید دینی را با استدلال اثبات کرد (ایچی، بی تا). تعاریف دیگری هم از این علم ارائه شده است که ویژگی های این علم را بیان می کند (بانی گلپایگانی، ۱۳۸۷). نخستین مسئله کلامی در میان مسلمانان، مسئله جبر و اختیار بوده است. بحث هایی مانند صفات خداوند، توحید و عدل الهی، حسن و قبح عقلی، قضا و قدر، نبوت، امامت و معجزه، تقیه، رجعت و بدها نیز در قرون نخستین اسلامی از مباحث شایع میان مسلمانان





بود (مطهری، ۱۳۸۹، ۶۰/۳). از سده دوم هجری این مباحث کلامی پیشرفت چشم‌گیری داشت و کتاب‌ها و رساله‌های مختلف تدوین شد. در پس این موضوعات کلامی، نحله‌های فکری با گرایش‌های مختلف تأسیس شد. در این میان، ائمه اطهار (علیهم‌السلام) نیز مباحث کلامی را تبیین نمودند. استفاده از گزاره‌های تاریخ یکی از روش‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) در اثبات عقاید شیعه بود. برخی از محققین معاصر معتقدند که ماهیت مطالعات تاریخی، مطالعات محض است و اگر پیش‌فرض‌های کلامی و یا هر پیش‌فرض دیگر به آن ضمیمه شود و در آن تأثیر بگذارد، مطالعات تاریخی شمرده نمی‌شود (سلیمانی امیری، ۱۳۹۸). بیان این نکته ضروری است که چون ائمه اطهار (علیهم‌السلام) برای تبیین گزاره‌های کلامی از ابزار نقل گذشته بهره برده‌اند در پژوهش حاضر از آن در قالب یک گزاره تاریخی نام برده شده است. در کتاب *اصول و فروع کاف* ی ۱۰۵ گزارش تاریخی از ائمه اطهار برای افزایش آگاهی‌های اعتقادی آمده است.

۱-۴. معجزه و کرامت

معجزه برای پیامبران و کرامت برای امامان اقدامی مبتنی بر دو عنصر علم و قدرت و عملی خلاف عادت طبیعی و نامعارض با رابطه علیت در نظام آفرینش و نشانه‌ای ملموس برای تثبیت نبوت پیامبران و امامت امامان (علیهم‌السلام) است. گاهی از کرامت به معجزه نیز یاد می‌شود، اما کرامت با ادعای نبوت و تحدی یا اثبات حق همراه نیست. از این رو، همه کارهای خارق‌العاده‌ای که پیامبران، امامان و اولیای خدا به اذن الهی انجام می‌دهند، ولی همراه با ادعای نبوت نیست، کرامت به‌شمار می‌آید. (مصباح یزدی، ۱۳۹۵) در کتاب *کافی* چهار روایت از امام باقر (علیهم‌السلام)، امام صادق (علیهم‌السلام) و امام هادی (علیهم‌السلام) وجود دارد که به معجزه و کرامت اشاره دارد. امام هادی (علیهم‌السلام) مقتضیات زمان و دوران هر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را در بروز نوع معجزه دخیل دانسته است. روایت اشاره به زمان حضرت موسی (علیهم‌السلام) و شیوع جادوگری در آن دوره دارد، پس خداوند معجزه‌ای متناسب با زمان ایشان یعنی، عصا و ید بیضاء را به حضرت موسی (علیهم‌السلام) عطا کرد. در زمان حضرت عیسی (علیهم‌السلام) بیماری‌های مختلف شیوع داشت که خداوند به او معجزه زنده کردن مردگان و شفای کور مادرزاد داد. در زمان پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) سخنوری، خطابه و شعر رواج داشت که خداوند به او دستورات و پندهای شیوایی داد. نکات مهم در تحلیل این روایت:

- معجزات خداوند براساس حکمت به پیامبران عطا شده است؛
 - اثبات می‌کند انبیسای الهی و نمایندگان خداوند بر زمین از ابزارهایی برای اثبات
 درستی نظر خود استفاده می‌کردند؛
 - امام با استفاده از بیان روایت و داستان تاریخی، امری کلامی یعنی، معجزه را اثبات و
 باورمند کرد.

بنابراین، استناد به این روایات توسط امام می‌تواند مخاطب را اقناع کند که این قدرت
 فرابشری را خداوند به امام داده است. امام باقر علیه السلام در یک روایت به سه معجزه یا کرامت
 رسول خدا صلی الله علیه و آله اشاره دارد (کلینی، ۱۴۲۹ هـ.ق، ۴۴۴/۲) و دو کرامت نیز از امام حسن علیه السلام و مادر
 امام باقر علیه السلام نقل شده است (کلینی، ۱۴۲۹ هـ.ق، ۵۰۱/۲).

۴-۱-۲. ماوراء

ماوراء در لغت یعنی، پشت سر و آنچه در پس و پشت چیزی قرار دارد. (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ.ق،
 ۱۹۳/۱) در اصطلاح، حوادثی است که ریشه در عالم ماده ندارد و به طور عادی قابل دسترسی
 نیست. به نظر می‌رسد اخبار ماورایی، صرف نظر از بررسی سندی روایات از نظر محتوایی
 قابل اثبات یا رد نیست مگر آنکه با مسلمات تاریخی در تضاد باشد. البته همواره اخبار
 ماورایی که در کتب روایی شیعه آمده موافق با مبانی کلامی شیعه است. بنابراین، چون
 بررسی سندی روایات کافی خارج از چارچوب پژوهشی تحقیق حاضر است، فقط با توجه
 به اینکه این اخبار منسوب به اهل بیت علیهم السلام است مورد پذیرش قرار گرفته است. در کتاب
 کافی ۳۰ گزارش ماورایی از ائمه اطهار نقل شده است. پنج گزارش از پیامبران پیشین،
 حضرت یوسف، ابراهیم و اسماعیل و یکی از قضاوت‌های داود نبی علیه السلام است (ر.ک.، کلینی،
 ۱۴۲۹ هـ.ق، ۱۴۷/۱، ۲۸۷/۲، ۶۲۷/۸، ۴۶۷/۹). درباره زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله (ر.ک.، کلینی، ۱۴۲۹ هـ.ق، ۴۴۲/۵، ۱۱۶/۶، ۴۰۷/۱۱،
 و امام علی علیه السلام (ر.ک.، کلینی، ۱۴۲۹ هـ.ق، ۳۱۷/۲، ۴۵۳، ۴۷۳، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۹۷) هر کدام، هفت و هشت گزارش،
 سه گزارش درباره امام حسین علیه السلام (ر.ک.، کلینی، ۱۴۲۹ هـ.ق، ۵۰۹/۲، ۶۵۲/۷) حضرت زهرا علیه السلام (ر.ک.،
 کلینی، ۱۴۲۹ هـ.ق، ۵۰۶/۲) و امام سجاد علیه السلام (ر.ک.، کلینی، ۱۴۲۹ هـ.ق، ۱۸۳/۲) هر کدام یک گزارش ماورایی
 نقل شده است. بیشتر گزارش‌ها درباره پیامبر صلی الله علیه و آله از وقایع معراج است. اصل معراج رفتن
 پیامبر صلی الله علیه و آله به دلیل اذعان قرآن کریم (ر.ک.، اسراء: ۱) بی تردید وجود داشته است، اما اینکه در



معراج چه رویدادهایی رخ داده است روایات بسیاری وجود دارد که علامه طباطبایی در تفسیر خود به این روایات اشاره می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ه.ق، ۸/۱۳). رویداد ماورایی سفر معراج پیامبر ﷺ فرصت خوبی برای قصه‌سرایان و جاعلان حدیث بود که رویدادها و مشاهدات پیامبر ﷺ در آسمان‌های هفت‌گانه را به‌گونه‌ای جذاب و موافق با منافع خود، ساخته و پرداخته کنند.

۴-۳. خصوصیات پیامبران

پیامبران پیشین بسته به شرایط جامعه خود برای هدایت مردم معجزات مختلفی آوردند. برخی از آنها با دشواری‌ها و رویدادهای متنوعی روبه‌رو شدند که ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز در زندگی خود با چنین رخدادهایی برخورد کردند. یکی از آن وقایع، امامت امام جواد (علیهم السلام) در کودکی بود که بهت و حیرت بیشتر شیعیان را در پی داشت. (طبری، ۱۴۱۳ ه.ق) این مشکل برای شیعیان که مهمترین رکن ایمان را اطاعت از امام معصوم دانسته و در مسائل و مشکلات فقهی و دینی خود به وی رجوع می‌کردند، اهمیت زیادی داشت و نمی‌توانست همچنان لاینحل بماند. البته برای شیعیان مسلم بود که امام رضا (علیهم السلام) فرزند خود یعنی، امام جواد (علیهم السلام) را به جانشینی برگزید، ولی مشکل ناشی از خردسالی آن حضرت آنها را بر آن می‌داشت تا برای اطمینان خاطر بیشتری در این باره کاوش و جست‌وجوی کنند (جعفریان، ۱۳۸۱). در کتاب کافی سه روایت از امام رضا (علیهم السلام) و امام جواد (علیهم السلام) نقل شده است که در آن نبوت حضرت عیسی (علیهم السلام) (کلینی، ۱۴۲۹ ه.ق، ۲۸۷۲) و سلیمان نبی (علیهم السلام) (کلینی، ۱۴۲۹ ه.ق، ۲۸۲۲) در کودکی، معیار چنین رخداد مشابهی برای امام جواد (علیهم السلام) بوده است.

شاید گفت‌وگوهای اصحاب امام رضا (علیهم السلام) پس از شهادت ایشان با توجه به فرهنگ سازی امام رضا (علیهم السلام) برای امامت فرزند خردسال خود بوده است. کتاب *انبات الوصیه* در گزارشی، اجتماع جمعی از یاران امام رضا (علیهم السلام) را بیان کرده است که در آن جلسه، یونس بن عبد الرحمن گفت: «تا این کودک [یعنی، امام جواد (علیهم السلام)] بزرگ شود مسائل و احکام شرعی را از که باید پرسید؟ ریان بن صلت در جواب با توهین و کتک زدن یونس گفت: امامت امام اگر از طرف خداست اگرچه پسر یک‌روزه باشد به منزله شخص صدساله خواهد بود. اگر امامت امام (علیهم السلام) از طرف خدا نباشد اگرچه آن شخص هزارسال هم عمر کرده باشد مانند یکی از

مردم معمولی است. بقیه یاران امام رضا علیه السلام نیز یونس را سرزنش کردند» (مسعودی، ۱۴۲۶ ه.ق). رسوخ روایات موسوم به اسرائیلیات به روایات اسلامی که در آن پیامبران بنی اسرائیل همراه با جلالت و شوکت فراوان معرفی شدند و شروع نهضت ترجمه که موجب رخنه فرهنگ دیگر ادیان به دین اسلام شد، کم‌کم این شائبه را ایجاد کرد که دیگران از نظر علمی پیشرفته بودند و حتی علوم پیامبران پیشین بیش‌تر از رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است. راوی در گزارشی باتوجه به تأثیر فضای فرهنگی دوران خلافت عباسیان این پرسش را مطرح کرد که آیا دانش حضرت عیسی علیه السلام و سلیمان برتر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است؟ امام کاظم علیه السلام برای زدودن چنین شائبه‌ای با استدلال به آیات قرآن که مورد اتفاق فریقین است دانش رسول خدا صلی الله علیه و آله را برتر از پیامبران پیشین دانست. (کلینی، ۱۴۲۹ ه.ق، ۵۶/۱) جایگاه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نسبت به سایر پیامبران الهی نیز یکی از مباحث مهم کلامی است (ر.ک. کلینی، ۱۴۲۹ ه.ق، ۵۶/۱). در روایت آمده است که در گفت‌وگویی از امام علی علیه السلام سؤال می‌کنند و ایشان از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ می‌دهد که ایشان وارث همه انبیاست. به معنای دقیق‌تر، همه آنچه در نزد آنها بوده به ایشان منتقل شده است. مطلب دیگر در مورد انبیای الهی، مقام بندگی آنهاست و اینکه آنها چه ویژگی‌هایی قبل از بعثت خود داشتند. در روایات، مهمترین شاخصه انبیای الهی به‌ویژه حضرت ابراهیم علیه السلام مقام بندگی ایشان است (ر.ک. کلینی، ۱۴۲۹ ه.ق، ۴۲۶/۱). دو روایت دیگر ناظر بر آگاهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از راز دل نهفته راوی و خواسته‌های ناگفته اوست که قبل از آنکه سؤال‌کننده پرسشی را مطرح کند پیامبر صلی الله علیه و آله زودتر جواب وی را داده است (ر.ک. کلینی، ۱۴۲۹ ه.ق، ۲۰۷/۵). کلینی در بخش‌های مختلف کتاب خود چنین کرامتی را نسبت به سایر ائمه اطهار نیز گزارش داده است.

۴-۱-۴. خصوصیات امام (علم و دانش، عصمت)

باتوجه به گزارش‌های کتب روایی شیعه، اندیشمندان شیعه خصوصیات مختلفی برای ائمه اطهار علیهم السلام قائل شده‌اند. در ۴۱ گزارش تاریخی در کتاب کافی به چهار خصوصیت امام اشاره شده است. اول آنکه جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ائمه اطهار هستند. پس از آنکه عباسیان با شعار فریبنده: «الرضا من آل محمد» توانستند مردم را مجاب کنند که کسی از اهل بیت علیهم السلام، جایگزین بنی امیه خواهد شد، امام صادق علیه السلام در صدد بیان این نکته





بود که جانشین پیامبر ﷺ از طرف خدا معلوم می‌شود و مردم هیچ نقشی در آن ندارند. همچنین ائمه اطهار جانشینان واقعی رسول خدا ﷺ هستند که نام آنها مشخص است. (کلینی، ۱۴۲۹ هـ.ق، ۶۹۳/۱، ۱۴/۲) دوم آنکه دانش امامان برگرفته از دانش پیامبر اکرم ﷺ است و همه علوم رسول خدا ﷺ نزد ائمه اطهار (علیهم السلام) است (کلینی، ۱۴۲۹ هـ.ق، ۶۵۴/۱) از ۷۳ اسم اعظم خدا ۷۲ اسم را امامان می‌دانند (کلینی، ۱۴۲۹ هـ.ق، ۵۷۷/۱). مصحف فاطمه که در آن اخبار آینده آمده است نیز نزد اهل بیت (علیهم السلام) است (کلینی، ۱۴۲۹ هـ.ق، ۵۹۶/۱). بیان این نکته ضروری است که علم غیب و علم لدنی که شیعه بر اعتبار و لزوم آن در امام تأکید دارد مطلق و عام نبوده، بلکه به حوزه دین و آموزه‌های معرفتی و شریعت اختصاص دارد؛ یعنی امام باید نسبت به آموزه‌های دین و شریعت، علم مؤید از طرف خداوند و غیب داشته باشد و بر همه مسائل دینی آگاه باشد. در حوزه غیر دینی مانند علم غیب به گذشته، آینده و امور غیبی و پنهان که به دین ربطی نداشته باشد، مثل علم امام علی (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) به شهادت خود (کلینی، ۱۴۲۹ هـ.ق، ۶۴۵/۱)، میان دانشمندان امامیه دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد و چون شیعه چنین علمی را در حقیقت امامت شرط و دخیل نمی‌داند نفی یا اثبات آن نیز جرحی به اصل امامت متوجه نمی‌کند (قدردان قراملکی، ۱۳۸۸).

ویژگی سوم درباره عصمت امامان این است که در دو روایت امام صادق (علیه السلام) استغفار پیامبر ﷺ را بدون انجام گناه و مصائب امامان رانه به دلیل اعمال، بلکه برای کسب ثواب دانست. بزرگان شیعه با توجه به این‌گونه روایات قائل به عصمت امامان شده‌اند. بنابراین، استغفاری که در این دعاها آمده است استغفار دفعی است؛ یعنی استغفاری که مانع عروض غفلت و گناه می‌شود نه استغفار رفعی که برای آمرزش گناه و خطای موجود است مانند کسی که پارچه‌ای برای آینه شفاف آویزان می‌کند تا غبار بر آن ننشیند نه مانند کسی که بر روی آینه غبار گرفته‌اش دستمال می‌کشد تا غبار آن را بزداید. (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ۲۶۳/۳) خصوصیت چهارم آنکه وسایل مهم پیامبران پیشین و وسایل پیامبر اکرم ﷺ نزد اهل بیت (علیهم السلام) است (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ۵۷۵/۱). یکی از نکات مهمی که ائمه اطهار برای تشخیص امامان و جانشینان پیامبران و پیامبر اکرم ﷺ مطرح کردند بودن ابزار مهم و اعجاز برانگیز پیامبران پیشین نزد ایشان است به‌گونه‌ای که هیچ‌کدام از خلفای اموی و عباسی چنین

ابزاری در اختیار نداشتند. بی‌شک ائمه اطهار علیهم‌السلام به‌دور از دستگاه‌های جاسوسی خلفا این وسایل را به یاران خاص خود نشان می‌دادند و فقط با آنها مطرح می‌کردند.

۴-۱-۵. بداء

واژه بداء اسم مصدر از ماده بدو است. این واژه در لغت به معنای آشکار شدن از خفا، ظهور چیزی از عدم و تغییر در قصد است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۶۷/۱۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ.ق) بداء در اصطلاح به معنای آشکار شدن و ظهور چیزی از خدا برخلاف آن چیزی است که انتظارش می‌رود. بداء به معنای استصواب و تغییر در قصد که ناشی از جهل و عجز و محدودیت در دانایی و توانایی است اگرچه برای انسان پیش می‌آید، اما انتساب آن به خدا که به‌طور مطلق، دانا و تواناست، صحیح نیست (مفید، ۱۴۱۴ هـ.ق). شیخ مفید اختلاف سایر فرق اسلامی با شیعه درباره اعتقاد به بداء را اختلاف لفظی می‌داند (مفید، ۱۴۱۴ هـ.ق). عده‌ای نیز تلاش کردند بعضی از روایات موجود در کتب روایی اهل سنت را نشان‌دهنده وجود اعتقاد به بداء در متون روایی آنها نشان دهند (فانی اصفهانی، ۱۳۹۴).

درباره معنای بداء و دلایل و شواهد قرآنی آن بیشتر در دوران امام صادق علیه‌السلام بحث و گفت‌وگو شده است به‌ویژه وقتی برای گروهی از شیعیان این شبهه ایجاد شده بود که امامت در اسماعیل یعنی، فرزند ارشد امام صادق علیه‌السلام خواهد بود، ولی وی در عصر حیات امام صادق علیه‌السلام درگذشت. فرزند بزرگ‌تر بودن، سیاسی‌کاری خطابی، علاقه و محبت بسیار امام صادق علیه‌السلام به اسماعیل از مهمترین عوامل شبهه امامت اسماعیل است (فرمانیان... و جندقی، ۱۳۹۳). بنابراین گزارش شیخ صدوق، امام صادق علیه‌السلام این اتفاق را بداء از طرف خداوند دانست (فرمانیان... و جندقی، ۱۳۹۳)، به‌نظر می‌رسد تبیین اعتقاد به بداء پس از این اتفاق و برای جلوگیری از انشقاق و اختلاف شیعه توسط امام صادق علیه‌السلام انجام شد. کلینی دو روایت تاریخی از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده است که در آن اعتقاد به بداء رانه تفکری جدید بلکه از اعتقادات عبدالمطلب یعنی، جد پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دانسته است (کلینی، ۱۴۲۹ هـ.ق، ۴۵۷/۱).

۴-۱-۶. تقیه

تقیه در لغت به معنای پرهیز، نگاه‌داری و پنهان کردن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۴۰۱/۱۵) در اصطلاح، تقیه یعنی، پنهان کردن حق و پوشاندن اعتقاد به آن در برابر مخالفان برای





اجتناب از ضرر دینی یا دنیایی (مفید، ۱۴۱۴ ه.ق). درباره اقسام تقیه و گفتارهای فریقین بیرامون آن کتاب های مختلفی نوشته شده است. کلینی در کتاب خود بابی با نام تقیه دارد (کلینی، ۱۴۲۹ ه.ق، ۵۴۸/۳) که بیشتر روایات آن از امام صادق (ع) و برخی دیگر از امام باقر (ع) است و پنج روایت، استفاده از گزاره های تاریخی در باب تقیه است. امام صادق (ع) روش ابوطالب (ع) در کتمان ایمان را برگرفته از روش اصحاب کهف (کلینی، ۱۴۲۹ ه.ق، ۴۶۲/۲) و حضور آنها در جشن هایی با آلات لهو و لعب را از باب تقیه می دانست. با توجه به روایات امام صادق (ع) درباره آلات موسیقی، غنا و آواز خوانی کنیزان (کلینی، ۱۴۲۹ ه.ق، ۱۷۹/۱۲) به خوبی شرایط فرهنگی آن دوران قابل رصد است. ممکن بود شیعیان مجبور باشند با دربار بنی امیه و بنی عباس و یا حتی همسایه گان فاسق خود (کلینی، ۱۴۲۹ ه.ق، ۷۸۴/۱۲) در ارتباط باشند و با چنین رفتاری روبه رو شوند. بنابراین، امام صادق (ع) اصحاب کهف را الگوی تقیه ای در مواجهه با مواردی که با سبک زندگی اسلامی تطابق ندارد، معرفی کرد. امام صادق (ع) که خود تبیین گر ابعاد مختلف تقیه است از رفتار میثم تمار (مفید، ۱۴۱۳ ه.ق، ۳۲۵/۱) انتقاد کرد و رفتار عمار یاسر که قرآن مهر تأیید بر آن زده است (ر.ک.، نحل: ۱۰۵) را الگوی رفتاری برای شیعیان معرفی کرد. اگر این مبنا از امام صادق (ع) پذیرفته شود رفتار برخی دیگر از یاران امام علی (ع) مانند حجر بن عدی و رشید هجری نیز به دلیل عدم تقیه قابل نقد است. یکی از هنجارهای دوران امام باقر (ع) الزام دوستانداران و پیروان امام علی (ع) به سب و لعن ایشان توسط دستگاه خلافت اموی بود به گونه ای که به جز دوران کوتاه خلافت عمر بن عبدالعزیز (۹۹-۱۰۱ ه.ق) در همه ادوار خلافت امویان، لعن و تبری از امام علی (ع) به یکی از سنت های رایج در شهرهای مختلف تبدیل شده بود. از طرف دیگر، این پرسش در ذهن شیعیان نقش بسته بود کسانی که لعن به امام علی (ع) کردند و از زندان بنی امیه آزاد شدند کار صحیحی کردند یا آنان که حاضر به لعن ایشان نشدند و به قتل رسیدند. امام باقر (ع) با درک صحیح دوران خود، عمل هر دو گروه را صحیح دانست، اما کسی که تقیه کرد را آشنای به امور دینی دانست. (کلینی، ۱۴۲۹ ه.ق، ۵۵۹/۳) سالیان بعد که دوران اختناق بنی امیه به سرآمده بود امام صادق (ع) تبری از امام علی (ع) را درست ندانست و تنها لعن امام از روی ناچاری مانند روش عمار یاسر در مواجهه با مشرکان را جایز دانست. در یک جمع بندی کلی

می‌توان گفت که امام صادق علیه السلام با بهره‌گیری از گزاره‌های تاریخی دورفتار تاریخی را برای الگو درباره تقیه معرفی کرد: اول، در هنگام مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی و مغایر با سبک زندگی اسلامی، رفتار اصحاب کهف الگوی شیعیان قرار گیرد. دوم، در مواجهه با مخالفین عقاید شیعه که قدرت را نیز در دست دارند عمار یاسر به صورت الگویی که قرآن کریم رفتار تقیه‌ای ایشان را تأیید کرده است، سرمشق شیعیان قرار گیرد.

۷-۱-۴. تقدیرگرایی و جبرگرایی

ریشه اصلی این موضوع به مسئله قضا و قدر الهی است که فریقین درباره آن مباحث مختلفی بیان کردند. این مباحث در نهایت منجر به ایجاد دو مشرب فکری اشاعره و معتزله در اهل سنت شد. قضا در لغت به معنای فیصله دادن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ.ق) و قدر به معنی اندازه است (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۳۷/۵). کلمه تقدیر به معنای اندازه‌گیری کردن و یا تعیین و تشخیص اندازه یک شیء است. معنی قضای الهی درباره حوادث جهان این است که این حوادث از ناحیه ذات حق، قطعیت و حتمیت یافته‌اند و معنای تقدیر الهی این است که اشیاء اندازه خود را از آن ناحیه کسب کرده‌اند (مطهری، ۱۳۸۹، ۱۰۶۶/۶). از منظر شیعه، قضا و قدر شامل تمام پدیده‌های موجود در جهان هستی است و هیچ پدیده‌ای را از آن گریزی نیست خواه این پدیده فعل انسان باشد و خواه دیگر حوادث زمینی و آسمانی؛ زیرا باتوجه به اینکه قضا و قدر به مراتب علم الهی و اراده پیشین و گسترده خدا بازگشت می‌کند عمومیت و گستردگی آن بدیهی است، ولی هرگز مایه سلب اختیار و آزادی انسان نخواهد بود (ربانی گلپایگانی، ۱۳۶۸).

در مبحث تقدیرگرایی دو دسته از روایات مورد گفت‌گوست: دسته اول، گزارش‌هایی است که هر آنچه در تاریخ اسلام برای امامان شیعه اتفاق افتاده است را تقدیر خداوند می‌دانند. امامان هرکدام صحیفه از پیش نوشته‌شده‌ای را باز کرده و براساس آن عمل می‌کردند. (کلینی، ۱۴۲۹ هـ.ق، ۶۹۷/۱، ۶۸۱/۲). نتیجه اینکه صلح امام حسن علیه السلام و قیام امام حسین علیه السلام و سکوت و تقیه امامان پس از ایشان، همه مقدر الهی بوده است. در مجموع هشت گزارش از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام با این موضوع قابل بررسی است. به دلیل اهمیت قیام امام حسین علیه السلام و حادثه عاشورا در طول تاریخ، مقاتل زیادی با نگرش‌های مختلفی نوشته



شده است. در این میان اعتقاد به مقدر الهی دانستن قیام امام حسین (ع) با توجه به روایاتی که در کتب روایی شیعه است بر مقاتل بزرگان تشیع در ادوار مختلف به ویژه دوران صفویه و قاجار تأثیر بسزایی داشت و نگرش تقدیرگرایی در فلسفه قیام امام حسین (ع) را به وجود آورد. در نتیجه، این نگرش، رویداد عاشورا را تکلیفی ویژه امام می‌داند که در عالم ذر، شهادت امام مقدر شده بود (رنجبر، ۱۳۸۹).

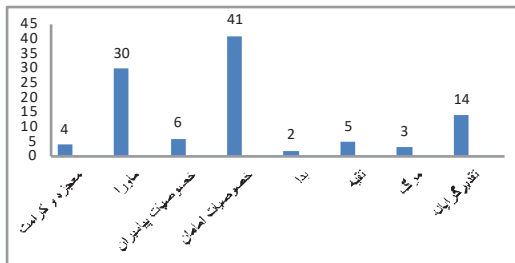
دسته دوم از روایات درباره سنت خداست. سنت الله به معنای طریق حکمت و بندگی خداوند متعال است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ.ق) در عالم تکوین و تشریح، قوانین ثابت ولایت غیری است که قرآن از آنها به سنت‌های الهی تعبیر کرده است که هرگز دگرگونی در آنها راه ندارد. (ر.ک.، فاطر: ۴۳) این قوانین همان‌گونه که برگزیده حاکم بوده بر امروز و فردا نیز حاکم است. مجازات مستکبران بی‌ایمان هنگامی که اندر زهای الهی سود نبخشد همچنین یاری رهروان راه حق به هنگامی که دست از تلاش مخلصانه برندارند از این سنت هاست و هر دو در گذشته و امروز تغییرناپذیر بوده و هست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۸/۲۹۶). دو روایت از امام صادق (ع) درباره سنت خداوند در انحطاط حکومت‌هایی است که با ریختن خون اهل بیت (ر.ک.، کلینی، ۱۴۲۹ هـ.ق، ۵۱۲/۴) یا با عمل نکردن به قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) (ر.ک.، کلینی، ۱۴۲۹ هـ.ق، ۵۱۲/۴) قدرت و حکومت از دست آنها خارج شد. امام صادق (ع) این نکات عبرت‌آموز را با منصور عباسی خلیفه سختگیر به اهل بیت بیان کرد تا شاید دست از ریختن خون آنها بردارد و به کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) عمل کند.

در روایت دیگری، سخن از سنت خداوند و از بلا و ابتلاء مؤمنین است. بلاء در اصل به معنای آزمایش کردن است، ولی گاهی این آزمایش با نعمت‌هاست که آن را بلاء خُسن می‌گویند و گاهی با مصیبت‌ها و مجازات‌هاست که به آن بلاء سَیء می‌گویند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۷/۱۱۶) در این روایت، امام صادق (ع) با یادآوری رفتار پیامبر (ص) در برابر خانه‌ای که بلا ندیده (کلینی، ۱۴۲۹ هـ.ق، ۳/۶۴۲) درصدد فرهنگ‌سازی این مطلب در جامعه است که انسان در این دنیا باید خود را آماده و یارویی با مشکلات، سختی‌ها و مصائب گوناگون کند.

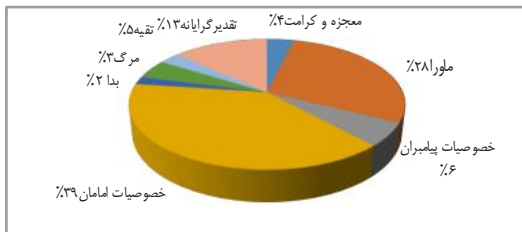
رویکردها، موانع، مهمترین مسائل و اهدافی که ائمه اطهار علیهم السلام برای بازگو کردن حقایق تاریخی ترسیم کردند

رویکرد	موانع	مهمترین مسائل	راهبرد	تعداد روایات
معجزه و کرامت	نحله‌های فکری منحرف و معاند	مقتضیات زمان و دوران عصر هر پیامبر دخیل در بروز نوع معجزه. معجزات رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small> . کرامت امام مجتبی <small>علیه السلام</small> و مادر امام باقر <small>علیه السلام</small> .	بازگویی کرامات و معجزات پیامبران پیشین و دلایل آن در راستای آیات قرآن. بازگویی معجزات و کرامات ائمه برای معرفت به امام.	۴
ماوراء	فرصتی برای سوءاستفاده قسه‌سرایان و جاعلان حدیث	وقایع معراج. پیامبران پیشین و ائمه اطهار <small>علیهم السلام</small> .	بازگو کردن امور ماورایی حقیقی. امکان وقوع چنین اتفاقاتی.	۳۰
ویژگی‌های پیامبران	فضای فرهنگی دوران خلافت عباسیان. نفوذ اسرائیلیات به روایات. نهضت ترجمه.	نبوت حضرت عیسی <small>علیه السلام</small> و سلیمان نبی <small>علیه السلام</small> در کودکی. برتر دانستن دانش رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small> از سایر پیامبران. آگاهی پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> از راز دل نهفته راوی.	فرهنگ سازی شیعیان برای قبول امامت امام جواد <small>علیه السلام</small> در کودکی. حقیقت‌نمایی سطح دانش پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> .	۶
خصوصیات امام	خلافت امویان و عباسیان. نحله‌های فکری منحرف و معاند.	جانشینی پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> از طرف خدا. دانش امامان برگرفته از دانش پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> . مصحف فاطمه. عصمت امامان. وسایل مهم پیامبران پیشین و وسایل پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> نزد اهل بیت <small>علیهم السلام</small> .	معرفت افزایی شیعیان نسبت به امام زمان خود	۲۵
بداء	انشقاق و اختلاف شیعه بر سر جانشینی اسماعیل، فرزند امام صادق <small>علیه السلام</small> .	اعتقادات عبدالمطلب، جد پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> .	معرفت‌افزایی شیعیان نسبت به مبانی کلامی شیعه. تعیین جانشین امامان توسط خداوند.	۲
تقیه	شیعیان مجبور بودند به دربار بنی‌امیه و بنی‌عباس رفت و آمد کنند.	رفتار عمار یاسر. رفتار اصحاب کهف. رفتار ابوطالب مانند رفتار اصحاب کهف.	تعیین الگویی برای تقیه کردن. دفاع از رفتار ابوطالب <small>علیه السلام</small> و ایمان وی. معرفت‌افزایی شیعیان نسبت به مبانی کلامی شیعه.	۵
تقدیرگرایی	تبلیغات منفی بنی‌امیه. دو مشرب فکری اشاعره و معتزله.	رفتار ائمه مقدر الهی. سنت الهی.	معرفت‌افزایی شیعیان نسبت به مبانی کلامی شیعه. رضایت به مقدرات الهی.	۱۴





نمودار ۱: تعداد روایات رویکرد ائمه اطهار (علیهم السلام) به حقایق تاریخی



نمودار ۲: درصد روایات رویکرد ائمه اطهار (علیهم السلام) به حقایق تاریخی

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با طرح این سؤال که کاربرد روایات تاریخی توسط ائمه اطهار (علیهم السلام) چه بود و ایشان با چه رویکردی تاریخ را بیان نموده‌اند، کتاب کافی از نظر محتوایی تحلیل شد. بعد از استخراج ۱۰۵ روایت تاریخی از این کتاب مشخص شد که ائمه اطهار (علیهم السلام) با استفاده از تاریخ در قالب هفت مقوله اعتقادی معارف کلامی شیعه را تثبیت کردند. حجم بیشتر این روایات در ارتباط با امامت و خصوصیات امام است. استناد به خصوصیات پیامبران مانند نبوت در کودکی یحیی و عیسی (علیهم السلام)، به دلیل اثبات امامت اهل بیت (علیهم السلام) در کودکی بود. چالش مهم کلامی در دوران امام رضا (علیهم السلام) دامن شیعیان و اصحاب نزدیک امام را نیز گرفته بود. درگذشت اسماعیل، فرزند بزرگ امام صادق (علیهم السلام)، و چالشی که سبب انشقاق شیعیان شد نیازمند تشریح مفهومی کلامی توسط امام بود؛ مفهوم بداء که ریشه‌ای تاریخی داشت و در گذشته نیز باور مردم را درگیر کرده بود. از طرف دیگر، اختناق دوران

بنی امیه و بنی عباس، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام را برآن داشت که امام برای توجیه مفهوم جدیدی که نیاز شیعه برای بقا بود به داستان اصحاب کهف و عمار یاسر توجه دهد و آن را به صورت الگویی برای تقیه معرفی کنند. گسترش عقاید جبرگرای و تقدیرگرایی نیز از آفت‌های جامعه اسلامی بود. مباحثی که باعث به وجود آمدن دو مکتب اعتقادی اشاعره و معتزله شد. ائمه اطهار نیز با تبیین این مطالب نمونه‌های تاریخی را بیان کردند.

فهرست منابع

۱. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴ ه.ق.)، *لسان العرب*، مصحح: میردامادی، جمال الدین، بیروت: دارالفکر.
۲. ایچی، عبدالدین عبدالرحمان بن احمد (بی تا)، *الموافق فی علم الکلام*، بیروت: عالم الکتب.
۳. جعفریان، رسول (۱۳۸۱)، *حیات فکری و سیاسی ائمه*، قم: انصاریان.
۴. حسینی زبیدی، محمدمرتضی (۱۴۱۴ ه.ق.)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، مصحح: علی، هلالی، و سجری، علی، بیروت: دارالفکر.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ه.ق.)، *مفردات الفاظ قرآن کریم*، بیروت: دمشق، دارالعلم.
۶. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۷)، *درآمدی بر علم کلام*، قم: دارالفکر.
۷. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۶۸)، *جبر و اختیار، بحث‌های استاد جعفر سبحانی*، قم: مؤسسه تحقیقاتی سیدالشهداء.
۸. زنجیر، محسن (۱۳۸۹)، *قرائت‌ها و رویکرد‌های عاشورا از صفویه تا مشروطه با تأکید بر مقاتل*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۹. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۹۰)، *تاریخ در ترازو*، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
۱۰. سلیمانی امیری، جواد (۱۳۹۸)، *نقد نظریه عدم جواز تأثیر باورهای کلامی در تاریخ پژوهی*، نشریه تاریخ اسلام در آیین پژوهش، ۲، ۶۱-۸۲.
۱۱. صدوق، محمدبن علی (۱۳۹۸)، *کتاب التوحید*، مصحح: حسینی، هاشم، قم: جامعه مدرسین.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ ه.ق.)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۳. طبری، محمدبن جریر بن رستم (۱۴۱۳ ه.ق.)، *دلائل الامامه*، قم: بی تا.
۱۴. فانی اصفهانی، سیدعلی علامه (۱۳۹۴)، *بهاء نظر شیعه*، مترجم: بنی سعید لنگرودی، سیدمحمد باقر، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۱۵. فخر رازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰ ه.ق.)، *مفاتیح الغیب*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۶. فرمانیان، مهدی، و جندقی، احسان (۱۳۹۳)، *امامت و مسئله بداء در اسما عیال بن جعفر: بررسی روایت «ما بدا لله مثل ما بدا فی اسما عیال»*، نشریه تحقیقات کلامی، ۵، ۵۷-۷۲.
۱۷. قدردان قراملکی، محمدحسن (۱۳۸۸)، *باسخ به شبهات کلامی دفتر چهارم: امامت*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۸. کاشفی، محمدرضا (۱۳۸۷)، *کلام شیعه ما مهیت مختصات و منابع*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۹. کریندورف، کلوس (۱۳۸۳)، *تحلیل محتوامبانی روش‌شناسی*، مترجم: ناییب، هوشنگ، تهران: نشر نی.
۲۰. مسعودی، علی بن حسین (۱۴۲۶ ه.ق.)، *الانبات الوصیه للامام علی بن ابی طالب*، قم: انصاریان.
۲۱. مشکور، محمد جواد (۱۳۸۷)، *فرهنگ فروع اسلامی*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۵)، *راه و راهنما شناسی*، تصحیح: کریمی، مصطفی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، *مجموعه آثار*، تهران: انتشارات صدرا.
۲۴. مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۳ ه.ق.)، *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم: کنگره شیخ مفید.



۲۵. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ ه.ق). تصحیح اعتقادات الائمة، مصحح: درگاهی، حسین. قم: کنگره شیخ مفید.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. گودرزوند چکی، رسول (۱۳۹۴). بررسی احادیث تاریخی اصول کافی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه معارف اسلامی. قم.
۲۸. خواجه، ابودر (۱۳۹۷). مقایسه تاریخ و سیره رسول خدا ﷺ در سه کتاب کافی کلینی، صحیح مسلم و سنن ترمذی، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه باقر العلوم علیه السلام. قم.
۲۹. الویری، محسن (۱۳۹۷). تاریخ پیامبران در روایات امام باقر علیه السلام، همایش علوم اسلامی، اخلاق و هنر در جهان تشیع، دانشگاه کلن.

